

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: ژوزف مسعد  
برگردان: م. قربانی  
۲۷ دسمبر ۲۰۲۴

## مقاومت فلسطین همیشه می تواند بدون حمایت خارجی دوام بیاورد. آیا اسرائیل هم می تواند؟



علی رغم جشن و سرور در اسرائیل به خاطر دست آوردهای اخیر آن، قربانیان فلسطینی به مبارزه ادامه می دهند تا رژیم برتری طلب نسل کش آن به طور کامل از میان برداشته شود.

\*\*\*\*\*

در دوماه گذشته اسرائیلی ها و اربابان امریکائی شان کارزار کشتار خود را در غزه تشدید کرده اند، به این امید که مقاومت فلسطین در برابر دولت آپارتاید برتری طلب یهود را یک بار برای همیشه سرکوب کنند.

پس از ناکامی در دستیابی به هیچیک از اهداف خود از اکتوبر ۲۰۲۳، ایالات متحده و اسرائیل تقصیر را به گردن متحدان مقاومت فلسطین و کمک های نظامی آن ها انداختند.

آن ها این متحدان را بر مبنای این باور که بدون کمک خارجی مقاومت فلسطین از بین خواهد رفت و وجود نخواهد داشت، مورد هدف قرار می دهند.

از قضا، این اسرائیل است که از زمان تأسیس در سال ۱۹۴۸ قادر نیست از نظر اقتصادی یا نظامی، بدون تزریق گسترده و دائمی سرمایه مالی، نظامی و دیپلماتیک غرب دوام بیاورد.

در واقع اسرائیل، این مستعمره شهرکنشینان، امروز نمی‌تواند بدون چنین سطوح عظیمی از کمک‌ها و حمایت‌های خارجی زنده بماند، و در عرض چند ماه فرومی‌پاشد.

این واقعیت در سال گذشته آشکار شد و اسرائیل را به عنوان یک قدرت نظامی درجه چهارم که تنها دست‌آوردش ارتکاب نسل‌کشی علیه جمعیت غیرنظامی است، آشکارتر کرد.

اسرائیل برای دستیابی به اهداف خود به میزان عظیمی به کمک‌های نظامی و اطلاعاتی امریکا و اتحادیه اروپایی متکی است. اسرائیل به کمک آن‌ها توانست مقاومت لبنان را تضعیف کند و به آتش‌بسی برسد که از آن زمان تاکنون بیش از صد بار آنرا نقض کرده است، و با ایران به بن‌بست برسد.

امریکایی‌ها به نوبه خود، همراه با ترکیه و اسرائیل در کمک به سرنگونی رژیم سوریه موفق شدند. اسرائیلی‌ها همچنین مقامات ایرانی را هدف قرار دادند و کنسولگری ایران را در دمشق بمباران کردند که منجر به پاسخ ایران و بمباران بیش‌تر اسرائیل علیه ایران شد.

جدیدترین ستراتیژی امریکا و اسرائیل تلاش در جهت پاک کردن افکار عمومی از شکست‌های نظامی عظیمی است که اسرائیلی‌ها از هنگام آغاز طوفان الاقصی از سوی حماس متحمل شده‌اند.

در همین حال، اسرائیل با حمایت کامل امریکا و اتحادیه اروپایی، کشتار و گرسنگی دسته‌جمعی فلسطینیان را در شمال غزه تشدید کرده و کشتارها و حملات نظامی و تهاجمات نظامی شهرکنشینان اسرائیلی به شهرها و روستاهای کرانه باختری را افزایش داده است.

اسرائیل همچنین بر اعمال فشار و سرکوب فلسطینی‌های در غل و زنجیر در قدس شرقی اشغالی افزوده است. آن‌ها علاوه بر تصرف خانه‌ها و مشاغل فلسطینی به نفع شهرکنشینان یهودی، اخیراً به تحمیل برنامه درسی نژادپرستانه ضد فلسطینی و ممنوعیت برنامه درسی فلسطینی‌ها دست زده‌اند.

در مورد شهروندان فلسطینی منفرد در اسرائیل نیز رژیم اسرائیل قوانین متعددی در ماه‌های اخیر وضع کرده است تا حقوق اندکی را که آن‌ها هنوز تحت نظام آپارتاید اسرائیل داشتند، از بین ببرد.

مهم‌تر از همه، اسرائیل به دنبال تقویت مستعمره شهرکنشینان یهودی در برابر تهدیدات نظامی مداوم مقاومت و تحمیل اراده اسرائیل، نه تنها بر مردم فلسطین، بلکه بر کل جهان عرب است.

### مقاومت فلسطین

اکنون ایالات متحده موفق شده است تمام دیکتاتورهای عرب را که می‌خواستند از دستوراتش برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل امتناع کنند (یا اصرار بر شروط برای عادی‌سازی، که اسرائیل رد کرد) - صدام حسین، معمر قذافی و بشار اسد - سرنگون کند. و در عین حال به تمام دیکتاتورهای عرب دیگر که کاملاً تسلیم اراده آن‌ها هستند و به آن‌ها احترام می‌گذارند - از مراکش گرفته تا اردن و تشکیلات خودگردان فلسطین (PA) تا خلیج فارس احساس اطمینان می‌دهد که سرکوب مقاومت فلسطین کاملاً در دسترس است.

این برداشت بر پایه اعتقاد ایدئولوژیک همیشگی امپریالیسم امریکا و دولت نسل‌کش اسرائیل بنا شده است که مقاومت فلسطین را نه ناشی از ماهیت نسل‌کش و آپارتاید رژیم شهرکنشین استعماری، بلکه آنرا نتیجه حمایت خارجی می‌داند.

این ستراتیژیست‌های کوتاه‌فکر و خودخواه امریکا و اسرائیل، تصور می‌کنند وقتی چنین حمایتی از بین رفت، مقاومت فلسطین نیز از بین خواهد رفت.

جای تعجب نیست که جهل و امتناع آن‌ها از درس گرفتن از تاریخ مقاومت فلسطین در برابر استعمار صهیونیستی و حکومت برتری‌طلبانه یهودیان مانند همیشه آشتی‌ناپذیر است.

مقاومت فلسطین در دهه ۱۸۸۰ در آغاز استعمار یهودیان و بدون حمایت خارجی آغاز شد، اما این به نظر ستراتیژیست‌های ظالم و نژادپرست امریکائی و اسرائیلی بی‌اهمیت است.

در واقع، از سال ۱۸۸۲ و در طول دهه ۱۸۹۰ ادامه یافت، مقاومت دهقانان فلسطینی تمام مستعمرات یهودی را هدف قرار دادند تا جایی که «به ندرت یک مستعمره یهودی وجود داشت که با دهقانان بومی فلسطینی درگیر نشود.»

این واقعیت که مقاومت فلسطین از آن زمان تاکنون، در اکثر مواقع بدون حمایت خارجی، ادامه یافته است، و علی‌رغم حمایت عظیم کتی و کیفی خارجی که از سرکوبگران صهیونیستی علیه فلسطینیان به عمل آمده است، ستراتیژیست‌های آنان را از این تصور نژادپرستانه نومید نمی‌کند، و هنوز ظلم و ستم بر فلسطینیان را انگیزه واقعی مقاومت نمی‌دانند.

### «به تنهایی»

خلاف مردم فلسطین، استعمارگران صهیونیست از اواخر قرن نوزدهم همواره از حمایت همه‌جانبه کشورهای استعمارگر اروپائی و امپراتوری امریکا در سرکوب هرگونه مقاومت در برابر استعمار یهودی و آپارتاید برخوردار بودند.

پس از جنگ جهانی اول، رژیم‌های عربی و تعدادی از خانواده‌های ثروتمند و زمیندار فلسطینی که هم با آن‌ها و هم با اشغالگران انگلیس در این کشور همکاری داشتند، در تلاش‌های خود به صهیونیست‌ها کمک کردند.

غیر از چند داوطلب از آن سوی مرزها، مردم فلسطین به تنهایی با تمام توان در برابر استعمار صهیونیستی مقاومت کردند و در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ با وجود استفاده انگلیس‌ها و صهیونیست‌ها از تروریسم افراطی، در مقابل امپراتوری بریتانیا و گروه‌های صهیونیستی و خشونت علیه این جمعیت اسیر، ایستادند.

دهقانان انقلابی ماوراء اردن که برای کمک به فلسطینی‌ها، با فراهم کردن پناهگاه، تلاش می‌کردند و منافع بریتانیا را در ماوراء اردن مورد هدف قرار می‌دادند، به سرعت در نیمه دوم دهه ۱۹۳۰ به دست امیر عبدالله ماوراء اردنی و ارتش زیر فرمان بریتانیائی او که از ۱۰ هواپیمای نیروی هوائی بریتانیا برای بمباران آن‌ها استفاده کردند، سرکوب شدند.

به اصطلاح حمایت معدود ارتش‌های عربی که در ۱۵ مه ۱۹۴۸ برای جلوگیری اخراج ۴۰۰.۰۰۰ فلسطینی از طرف صهیونیست‌ها – که تقریباً ۶ ماه قبل از ۳۰ نومبر ۱۹۴۷ آغاز شد – و برای محافظت از ۴۵ درصد از فلسطین که امپراتوری‌های شمال به عنوان یک کشور فلسطینی در طرح بدنام تقسیم سازمان ملل متحد در ۲۹ نومبر ۱۹۴۷ تعیین کرده بودند، کاملاً نتیجه معکوس داشت.

این ارتش‌های نامجهز عربی نه تنها از باندهای آموزش دیده و آماده صهیونیست‌ها کم تعدادتر بودند، بلکه نتوانستند از اخراج ۳۶۰.۰۰۰ فلسطینی دیگر از جانب صهیونیست‌ها جلوگیری کنند و بیش از نیمی از ۴۵ درصد فلسطین را که قرار بود محافظت کنند، از دست دادند.

هر مقدار زمینی که ملک عبدالله تا آن زمان قادر به حفظ آن بود، طبق نقشه‌ای که از پیش با صهیونیست‌ها طراحی کرده بود، ضمیمه کرد. او بعدتر از به رسمیت شناختن دولت تمام-فلسطینی که در سپتمبر ۱۹۴۸ در غزه تأسیس شد، خودداری کرد.

قدرت‌های امپریالیستی سیاست به رسمیت شناختن تصرف ۷۸ درصد فلسطین از سوی اسرائیل و تصرف ۱۸ درصد از آن از طرف عبدالله، که نام آن‌را به «کرانه باختری» تغییر دادند، دنبال کردند. (غزه از سوی مصری‌ها محافظت می‌شد تا این‌که دوباره به دست اسرائیلی‌ها فتح شد، یک بار در سال ۱۹۵۶ و بار دیگر در سال ۱۹۶۷، زمانی‌که اسرائیل آن‌را تصرف کرد.)

خلبانان داوطلب یهودی انگلیس و امریکائی و تیپ‌های یهودی صهیونیست بین‌المللی از سراسر جهان غرب وارد فلسطین شدند تا به فتح سرزمین فلسطینیان از سوی صهیونیست‌ها کمک کنند. بسیاری از این داوطلبان همچنان به اسرائیل می‌آیند تا در تحمیل برتری یهودیان و آپارتاید بر فلسطینیان کمک کنند.

### از دست دادن مشروعیت

از ۷ اکتوبر ۲۰۲۳، ایالات متحده و اتحادیه اروپائی نیز به شرکای کامل اسرائیل در نسل‌کشی مداوم فلسطینیان تبدیل شده‌اند - نسل‌کشی که به طور آشکار یا به طور ضمنی از جانب همه رژیم‌های عربی، از جمله تشکیلات خودگردان خائن، به استثنای حزب‌الله لبنان، دولت انصارالله یمن، برخی از گروه‌های مقاومت عراق، رژیم اخیراً سقوط کرده سوریه، و ایران، حمایت می‌شود.

این حامیان فلسطینی (تشکیلات خودگردان)، عرب و غربی اسرائیل در حفاظت نظامی از اسرائیل در برابر اقدامات تلافی‌جویانه نیروهای مقاومت عربی و ایران، از طریق کارزار سرکوب نیروهای مقاومت فلسطینی در کرانه باختری نقش بسزائی داشتند.

همزمان، حامیان مردم فلسطین کارزاری را به راه انداختند تا ادامه کمک به نسل‌کشی جاری را برای حامیان اسرائیل دشوارتر کنند.

چه در سازمان ملل، چه در دیوان بین‌المللی دادگستری، و چه در دیوان کیفری دادگستری، قطع‌نامه‌ها، تصمیم‌ها و کیفرخواست‌های متعددی علیه اسرائیل صادر شده است که امریکا با تمام تهدیدها و مجازات‌هایی که در اختیار دارد سعی در خنثی کردن آن‌ها داشت.

به این‌ها، موفقیت روزافزون جنبش بایکوت، سلب سرمایه‌گذاری و تحریم در فشار بر کشورها و کسب و کارها برای عقب‌نشینی از سرمایه‌گذاری در اسرائیل را، چنان‌که ناروی اخیراً انجام داد، اضافه کنید.

به علاوه، از دست دادن حمایت اسرائیل از سوی بخش قابل توجهی از مردم غرب، از جمله یهودیان اروپائی و امریکائی نیز به تضعیف مشروعیت مستعمره شهرک‌نشینان نسل‌کش در محافل سنتی طرفدار اسرائیل کمک کرده است.

### فروپاشی اجتناب‌ناپذیر

پرونده ۱۵ ماه گذشته اسرائیل مختلط بوده است.

ثابت شده که اسرائیل از نظر نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک ضعیف است و قادر به توقف ضعف خود در همه جبهه‌ها، به جز نسل‌کشی، نیست.

با این حال به لطف کمک‌های نظامی و مالی گسترده ایالات متحده و کشورهای اتحادیه اروپائی، اسرائیلی‌ها می‌توانند با استفاده از هر شیوه وحشیانه‌ای به از بین بردن مقاومت فلسطین ادامه دهند.

اما نکته گنج کننده برای ستراتیژیست‌های امریکا و اسرائیل این است که مقاومت فلسطین، که از ۷ اکتوبر هیچ‌گونه کمک نظامی یا مالی از هیچ منبع خارجی دریافت نکرده است، همچنان به مقاومت در برابر اسرائیلی‌های نابودگر در غزه، کرانه باختری و اورشلیم شرقی، ادامه می‌دهد.

با وجود جشن و سرور در اسرائیل به خاطر دست‌آوردهای اخیرش، قربانیان فلسطینی مبارزه را تا سرنگونی کامل رژیم برتری‌طلب یهودی نسل‌کش ادامه خواهند داد.

با توجه به این تحولات، به احتمال زیاد اسرائیل نسل‌کش، نه مقاومت مردم فلسطین در برابر آن، به دلیل کاهش حمایت‌های خارجی و انزوای بین‌المللی، دیگر قادر به ادامه حیات نخواهد بود.

این چیز است که ستراتیژیست‌های امریکا و اسرائیل، حتی اگر از درک واقع‌گرائی آن امتناع ورزند، بخوبی از آن آگاهند.

تمام وحشت مرگباری که آن‌ها امروز در منطقه عربی مشاهده می‌کنند، تنها فروپاشی اجتناب‌ناپذیر رژیم شهرکشین-استعمارگر نسل‌کش را به تأخیر می‌اندازد، اما در حفظ موجودیت آن موفق نخواهد بود.

۶ دی-جدی-۱۴۰۳

\*\*\*\*\*

\* - ژوزف مسعد، پروفیسور سیاست مدرن جهان عرب در دانشگاه کلمبیا، نیویورک است  
برگرفته از: میدل ایست آی/۱۳ دسمبر ۲۰۲۴